

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

چه کسی تختی را جهان پهلوان نامید؟



سیاوش کسرابی (متولد ۵ اسفند ۱۳۰۵ در اصفهان) شاعر، نقاش و از اعضای کانون نویسندگان ایران و از فعالان سیاسی چپ‌گرای تاریخ معاصر ایران بود. او دانش آموخته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و از بنیان‌گذاران انجمن ادبی شمع سوخته بود. سالیان دراز در حزب توده ایران فعالیت داشت و خانه‌اش در سال‌های نخست پس از انقلاب، یکی از جاهایی بود که نورالدین کیانوری، دبیر اول حزب توده ایران به آن رفت‌وآمد می‌کرد.

کسرابی سراینده منظومه مشهور «آرش کمانگیر»، نخستین منظومه حماسی نیمایی است. وی یکی از شاگردان نیما یوشیج بود که به سبک شعر او وفادار ماند. از جمله مجموعه شعرهای بر جای مانده از سیاوش کسرابی، می‌توان به مجموعه شعر آوا، مهره سرخ، در هوای مرغ آمین، هدیه برای خاک، تراشه‌های تیر، خانگی، بادماند خاموش و خون سیاوش اشاره کرد. به گفته صدرالدین الهی، اصطلاح «جهان پهلوان» رادر اشاره به غلامرضا تختی ابتدا سیاوش کسرابی در قصیده‌ای به کار برد و این لقب روی تختی ماند.

کسرابی از «نسل چهارم» و از آخرین نسل مهاجران ایرانی به اتحاد جماهیر شوروی بود. او از زندگی در شوروی رنج می‌کشید و تجربه درونی و رنج روحی خود را در سروده «دل‌م هوای آفتاب می‌کند» وصف کرده است. وی ۱۹ بهمن ۱۳۳۴ در سن ۶۹سالگی پس از عمل جراحی قلب و ابتلا به ذات‌الریه در وین درگذشت و در «بخش هنرمندان» گورستان مرکزی این شهر به خاک سپرده شد. طبق وصیت سیاوش کسرابی، پس از مرگش هوشنگ ابتهاج متولی آثار او شد.

خودزنی / محیط زیست

شرط ابتکار برای تونل‌های بهشت‌آباد و گلاب

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: محیط زیست هیچ‌گونه مسئولیتی در خصوص ارزیابی پروژه‌هایی نظیر تونل بهشت‌آباد ندارد؛ این پروژه‌ها تنها در صورت تأیید ارزیابی‌های زیست‌محیطی قابل اجرا هستند و بر این اساس تا زمانی که نتیجه‌ای در این راستا به دست محیط زیست نرسد امکان اجرا برای این پروژه نخواهد بود.

معصومه ابتکار در پایان سفر یک روزه خود به اصفهان که به مناسبت روز جهانی تالاب‌ها با شعار «تالاب‌ها برای آینده ما؛ معیشت پایدار» در اصفهان برگزار شد، در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوال ایستنا در خصوص سرنوشت پروژه تونل بهشت‌آباد با توجه به اعلام توقف پروژه از سوی وزیر نیرو و واکنش اینستاگرامی او به این مساله با تاکید بر اینکه تاکنون هیچ اظهار نظری در این خصوص نکرده است، اظهار کرد: محیط زیست هیچ‌گونه مسئولیتی در خصوص ارزیابی پروژه‌هایی نظیر تونل بهشت‌آباد ندارد؛ این پروژه‌ها تنها در صورت تأیید ارزیابی‌های زیست محیطی قابل اجرا هستند و بر این اساس تا زمانی که نتیجه‌ای در این راستا به دست محیط زیست نرسد امکان اجرا برای این پروژه نخواهد بود. وی افزود: بر اساس مصوبه دولت و نیز برنامه پنجم توسعه پروژه‌های توسعه‌ای نظیر بهشت‌آباد یا تونل گلاب باید پیش از اجرایی شدن تحت ۵۱ ارزیابی محیط‌زیستی قرار گرفته و نتایج این بررسی‌ها به تأیید کمیته ماده دو دولت شامل سازمان حفاظت محیط زیست، مدیریت برنامه‌ریزی و نیز دستگاه‌های مسئول دیگر قرار گیرد.تنها پس از گذراندن این مراحل خواهد بود که پروژه فرآیندهای استانی خود را طی کرده و وارد فرآیندهای ملی می‌شود.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با تاکید دوباره بر به نقش نظارتی مجموعه متبوع خود بر روند اجرای پروژه بهشت‌آباد گفت: سازمان در هیچ دوره‌ای چه در زمان تصویب پروژه در سال ۸۲ و چه اکنون هیچ وظیفه‌ای در قبال ارزیابی پروژه نداشته و ندارد؛ تا زمانی که وزارت نیرو یا هر نهاد مسئول دیگری ارزیابی‌های زیست محیطی را انجام ندهد بدون شک امکان اجرایی برای آن نخواهد بود. ابتکار با بیان اینکه هر طرح یا پروژه مرتبط با محیط زیست باید با توجه به ملاحظات مربوط به حوزه آب، تالاب‌ها و رودخانه‌ها صورت بگیرد، ادامه داد: مسائل محیط‌زیستی معضلات ملی کل کشور هستند بنابراین همه مردم اعم از کشاورزان یا صنعتگران باید مدیریت منابع آبی در بخش حوضه‌های آبریز و حق آبه‌های آبی اعم از گاوخونی، فلات مرکزی، کارون و دیگر نقاط را شامل شود. وی با ابراز تاسف نسبت به برداشت نامتوازن و بی‌رویه آب از منابع زیر زمینی، روان‌آب‌ها و تالاب‌ها تصریح کرد: کشاورزان در هر کجای کشور از شرق اصفهان گرفته تا یزد، کرمان، خراسان یا سیستان و بلوچستان باید الگوی کشت و زرع خود را اصلاح کنند و با مدیریت منابع آبی در همه مناطق مساله تحقق حق آبه‌های زیست محیطی را در دستور کار خود قرار دهند در این راستا بخش‌های مهم و دخیل دولتی نیز باید به تعهدات خود پایبند باشند و البته تا کنون نیز به نحو مطلوبی پایبند بوده‌اند به عنوان مثال هفته گذشته وزیر نیرو در نامه‌ای به بخش‌های مختلف وزارتخانه متبوع خود خواستار تحقق حق آبه‌های رودخانه‌ها و تالاب‌ها شده است.



یادداشت روز

چرا نقد عباس عدی به هاشمی منطقی نیست

سیدعبدالجواد موسوی | یادداشت آقای عباس عدی در رد و نفی سخنان آقای هاشمی رفسنجانی مورد استقبال خیلی‌ها قرار گرفت. هم دشمنان آقای هاشمی که مدعی اصولگرایی هستند به شدت از این یادداشت استقبال کردند و هم دوستان بسیاری در اردوگاه اصلاح‌طلبان. تکلیف مدعیان اصولگرایی که روشن است، آنها از هر حرفی که در تقابل با آقای هاشمی باشد استقبال می‌کنند و برایشان فرقی نمی‌کند چه کسی و از چه موضعی با آقای هاشمی مخالفت کند. صرف مخالفت با آقای هاشمی از منظر آنها ارزشمند است. اما دوستان اصلاح طلب حرف‌های آقای هاشمی را مغایر با ادبیات اصلاح‌طلبانه فرض کردند و از همین منظر با آقای عدی احساس همدلی و هم‌سخنی کردند. نگارنده نیز تاجایی که آقای عدی اصلاح‌طلبی را یک روش دانسته‌اند و نه یک هدف با ایشان موافقم اما چند ایراد به نقد ایشان وارد می‌دانم و گمان می‌کنم نتایجی که آقای عدی گرفته‌اند محصول مقدمه غلطی است که چیده‌اند. آقای هاشمی گفته‌اند چرا شخصی را که شبیه‌ترین فرد به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی است رد صلاحیت کرده‌اند و

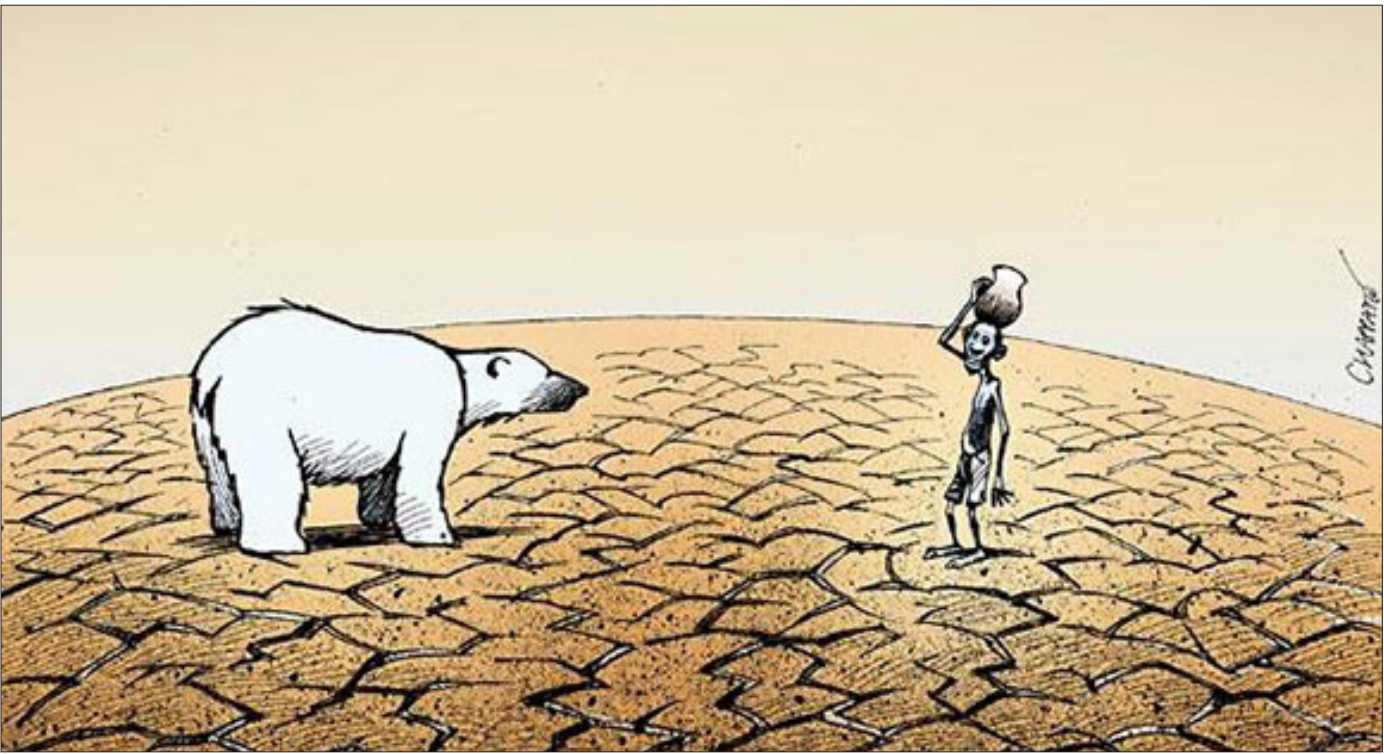
پیر مرد چشم ما بود

نگاهی به کتاب «حکایت پیر قصه‌گو»

بلندترین گفت‌وگوی انجام شده با مهدی آذر یزدی که شرح تقریبا کامل و منسجمی از زندگی و آثار او را در برمی‌گیرد، گفت‌وگویی است که پیام شمس الدینی در سال ۱۳۸۳ طی چندین جلسه با او انجام داده است. این گفت‌وگو دستمایه کتابی قرار گرفت با عنوان «حکایت پیر قصه‌گو» که به همت نشر جهان کتاب در سال ۱۳۹۱منتشر شد و به تازگی چاپ دوم آن نیز به بازار آمده است. کتاب حکایت پیر قصه‌گو سرگذشت یک عاشق کتاب است، کسی که به دلیل مخالفت پدر به مدرسه نرفت اما از اطرافیانش خواندن و نوشتن و تعلیمات مقدماتی را آموخت. اما این برای مردی که آن کتاب‌های خواندنی را نوشت کفایت نمی‌کرد. مقدر بود تا بیست سالگی در کار بنایی و بافندگی و از این دست مشغول باشد تا اینکه کارفرمای او دومین کتابفروشی شهر یزد را راه‌اندازی می‌کند و از میان زیردستانش مهدی آذر یزدی را به کتابفروشی می‌برد. شاگردی در آن کتابفروشی بذر عشق به این همدم کاغذی را در دل او کاشت. عشقی که رفته رفته چنان گسترش یافته و ریشه دواند که باعث شد او هرگز به فکر زن و فرزند نیز نباشد. شاید از این روست که آذر یزدی آغاز فعالیت کاری خود را سال ۱۳۲۰ محسوب کرده است که به قول خود او تا سال ۱۳۶۰ که به بازشستگی انجامیده، ادامه داشته است. اما حقیقت آن است که آذر یزدی با کتاب‌ها و برای کتاب‌ها زندگی کرده و عملا تا دم مرگ هیچ‌گاه از خواندن و نوشتن فراغت نیافته و کتاب‌های نخوانده مهم‌ترین حسرت عمر او بوده است.

او در این گفت‌وگو از خودش و فعالیت‌هایش گفته، از دوران کودکی آغاز کرده به جوانی رسیده، و سرانجام روزهای میانسانی و کهپسالی را روایت کرده است. بازگویی خاطرات آذر یزدی روایتی است (همانند نثر کتاب‌هایش) روان و شیرین که در اینجا‌گاه با طنازی و بذله‌گویی نیز آمیخته

گردش روزگار برعکس است



یادش به خیر قدیم‌ها کوه به کوه نمی‌رسید...

با کاروان حله / اخبار هنر

«برداشت دوم از قضیه اول» را دوباره ببینید



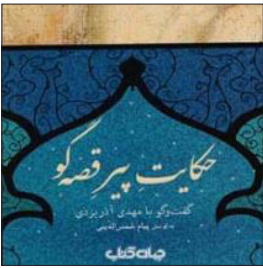
کارگردان فیلم «برداشت دوم از قضیه اول» از همه کسانی که این فیلم را با کیفیت بد در برج میلاد دیده‌اند دعوت کرد این فیلم را دوباره در سینماهای مردمی ببینند. پویان باقرزاده کارگردان فیلم «برداشت دوم از قضیه اول» گفت: متأسفانه این فیلم به عنوان اولین فیلم بلند که در اولین روز از جشنواره فیلم فجر در کاخ جشنواره نمایش داده شده بود، به دلیل بروز برخی مشکلات در سیستم صوتی

سالن نمایش با اشکالات بسیاری برای اصحاب رسانه و منتقدان نمایش داده شد. وی ادامه داد: من تلاش کردم مشکل این فیلم را در طول نمایش در برج میلاد برطرف کنم که به دلیل نبود مسئولان در این زمینه موفق نشدم.

این کارگردان جوان با اشاره به دیگر نمایش‌های این فیلم در سینماهای مردمی تاکید کرد: «برداشت دوم از قضیه اول» بدون هیچ مشکلی در سینماهای مردمی نمایش داده شد و این مساله نشان می‌دهد که این فیلم بدون اشکال و در شرایط مناسب برای نمایش به کاخ جشنواره ارائه شده است. وی با عذرخواهی از اینکه اجازه داده است فیلم با چنین کیفیتی نمایش داده شود، بیان کرد: می‌خواهم به دوستانی که فیلم را با کیفیت پایین دیده‌اند بگویم که صداگذاری فیلم هیچ مشکلی ندارد و حامد جلالی کار صداگذاری را به خوبی انجام داده است به همین دلیل از همه کسانی که این فیلم را در برج میلاد با کیفیت بد دیده‌اند، دعوت می‌کنم فیلم را در سینماهای مردمی ببینند.

آن دوستی قدیم ما چون گشته است؟
مانده است به جای؟ یا دگرگون گشته است؟
از تو خیرم نیست که با ما چونی
باری، دل من ز عشق تو خون گشته است
(شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی، قرن هفتم، رباعیات)

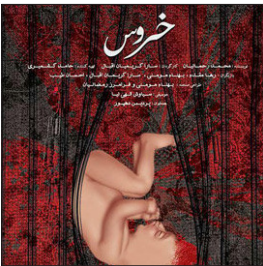
سوت‌بان



حکایت پیر قصه‌گو
گفت‌وگویی بلند با مهدی آذر یزدی
گفت‌وگو کننده: پیام شمس الدینی
نشر جهان کتاب
قیمت: ۱۲ هزار تومان
صفحه ۲۳۰

خطور می‌کنند بسیار سودمند است. کتاب‌شناسی مهدی آذر یزدی در انتهای کتاب نیز منبع خوبی برای پیدا کردن نام و نشان مهم‌ترین آثار منتشرشده در باره آذر یزدی در طول سال‌های دور و نزدیک، «حکایت پیر قصه‌گو» کتابی است که در جای آن می‌توان نشانه‌های اشراف و آگاهی پیام شمس الدینی را نسبت به آثار مهدی آذر یزدی به وضوح مشاهده کرد و همچنین دغدغه و علاقه‌مندی او برای ثبت و ضبط خاطرات ارزشمند این چهره فراموش‌نشدن ادبیات کودک و نوجوان این دیار را.

«خروس» یک نمایش ضد جنگ است



سارا کریمیان اقبال کارگردان نمایش «خروس» که اجرای آن از ۱۴ بهمن ماه در تماشاخانه دا آغاز شد گفت: نمایش «خروس» نوشته محمد رحمانیان پیش از این در شانزدهمین جشنواره تئاتر دانشگاهی به صحنه رفته و موفق به دریافت تندیس بهترین بازیگر زن، موسیقی، طراحی صحنه و لباس شده است. وی درباره دلیل انتخاب این نمایشنامه برای اجرا عنوان کرد: دلیل انتخاب این نمایشنامه این بود

که درون‌مایه و ظاهر اثر با حرفی که می‌زند متفاوت است، به این مفهوم که برخلاف ظاهرش که در باره حمله طالبان به افغانستان است اثری ضد جنگ به حساب می‌آید. همچنین متن بسیار زنانه است و مخصوصا وضعیت زن‌ها در جنگ و لطمه‌های عاطفی که می‌خورند به درستی به تصویر می‌کشد. نویسنده در این نمایشنامه اقتدر وسیع به مقوله جنگ نگاه می‌کند و آدم‌های هر دو جبهه را خاکستری نشان می‌دهد که جنگ طالبان در افغانستان می‌تواند به هر جنگی ارجاع داده شود. کریمیان اقبال در پایان در باره استفاده از موسیقی افغانستانی در نمایش یادآور شد: برای اینکه در نمایش از فضای موسیقی افغانستان استفاده کنم نیازمند شخصی بودم که با این نوع موسیقی آشنا باشد. خوشبختانه با سیاوش الهی‌نیا که استاد رباب در ایران است، آشنا شدم. او در این نمایش موسیقی افغانستان را به صورت زنده و با سازهای رباب، دوتار، هراتی، کوزه، دولی و دمبوره می‌نوازد و افرادی که به موسیقی سنتی علاقه‌مند هستند مطمئنا از شنیدن نوای این سازها لذت خواهند برد.

کسانی هستند که در این سال‌ها بیشترین بهره را از شبیه‌سازی تاریخی گرفته‌اند. کسانی که با شبیه‌سازی جریانات چندسال پیش به تاریخ صدر اسلام آقای هاشمی و امثالهم را به کسانی تشبیه می‌کردند که روزگاری در رکاب پیامبر اسلام شمشیر می‌زدند و سرانجام به سودای ریاست و صدارت به جبهه دشمنان رسول خدا پیوستند. آقای هاشمی که با بشیر به و داریوش شایگان سخن نمی‌گوید، با کسانی حرف می‌زند که گوش‌هایشان صرفا با چنین ادبیاتی آشناست و اتفاقا به کارگیری چنین ادبیاتی نشان از هوشمندی آقای هاشمی دارد.

ضمن اینکه توده‌های مردم نیز این ادبیات را خوب درک می‌کنند. پیش کشیدن بحث بدهکار و طلبکار را هم باید در چنین زمینه‌ای فهم کرد. این را هم نباید از نظر دور داشت که آقای هاشمی از همه تریبون‌های رسمی محروم است و به ناچار باید سخن خود را به گونه‌ای تدارک ببیند که به گوش همگان برسد. به نظر می‌رسد بخشی از تندى سخنان آقای هاشمی به همین موضوع بر می‌گردد.

آقای عدی همین سخن را نشانه قومی‌گرایی دانسته‌اند و گفته‌اند صلاحیت ربطی به انتساب به یک خاندان ندارد. سخن درستی است اما به شرطی که منظور آقای هاشمی از شباهت صرفا شباهت ظاهری بوده باشد که به نظر می‌رسد این‌گونه نیست. در خاندان امام خمینی هستند کسانی که از حیث ظاهر شباهت بیشتری به بنیان‌گذار انقلاب دارند.

من فکر می‌کنم منظور آقای هاشمی از شخصیتی که اشاره به امام است شخصی است که به لحاظ منش و روش به امام نزدیک‌تر از دیگران است. البته که شباهت ظاهری نیز ممکن است در این ماجرا نقش پررنگی داشته باشد اما شرط کافی نیست. فی‌المثل اگر سیدحسن خمینی هیچ شأن و منزلت علمی‌ای نمی‌داشت و در حوزه علمیه صاحب جایگاه نبود و همچنین با انقلاب و قضایای سیاسی نیز بیگانه بود باز هم آقای هاشمی ایشان را اشیه به امام خطاب می‌کرد؟ پاسخ این پرسش قطعا خیر است. علاوه بر اینها آقای هاشمی یک سیاستمدار پراگماتیست به معنای حقیقی کلمه است. باید بدانیم او با چه کسانی سخن می‌گوید. مخاطب سخنان آقای هاشمی